
دلایل اسلام هراسی غربیان و راهکار مقابله با آن از منظر مقام

معظم رهبری ظله

۱ باقر ریاحی مهر

۲ مجتبی صبوری

۳ مسعود شم آبادی

چکیده

«اسلام هراسی» یکی از راهبردی ترین دغدغه‌های جهان غرب و دنیای مسیحیت است. ظهور انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام و پی آمدهای فکری و سیاسی آن در جهان معاصر، شوق مطالعه و پژوهش درباره اسلام و تشیع را به شدت افزایش داد. فروپاشی رقیب قدرتمند غرب، یعنی اتحاد جماهیر شوروی در ادامه آن و رشد حرکت‌های اسلامی متأثر از اندیشه انقلاب اسلامی، عطف توجه بیشتر غرب به خاورمیانه اسلامی و بازخوانی مجدد تاریخ اسلام، خصوصاً روابط تاریخی اسلام و مسیحیت را ضروری تر نمود و نمایش چهره‌ای هولناک از مسلمانان و «دیگر بودگی» آنان از نظر مسیحیان، «اسلام هراسی» را روز به روز شدت بخشید. با

۱. استادیار جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول) dr.riahi@chmail.ir

۲. مدرس سطح عالی حوزه و استاد دانشگاه علامه طباطبایی saboorymojtaba@yahoo.com

۳. دانش پژوه رشته ی دکتری قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه modaf_68@yahoo.com

این حال نمی‌توان انکار کرد که «اسلام هراسی» در یک بستر طولانی تاریخی شکل گرفته و پرورش یافته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی با رویکرد انتقادی به تبیین و بررسی این مسئله می‌پردازد. مسأله اساسی تحقیق حاضر آن است که به مهمترین دلایل اسلام هراسی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که راهکارهای مقابله با اسلام هراسی غربیان از نگاه مقام معظم رهبری عبارتند از تبیین اسلام نام محمدی بر مبنای ترکیب معنویت، عقلانیت و عدالت، پیوند دین و سیاست، شخصیت و خط امام... می‌باشد.

واژگان کلیدی: اسلام هراسی، غرب، اسلام ناب محمدی، مقام معظم رهبری، عقلانیت

مقدمه

دین مبین اسلام از آغاز طلوع خود تا کنون در مقابل جهان زمانه و معاندین، فراز و فرودهای بسیاری را طی نموده و با منطق الهی و معارف و حیانی خود که در ضمن قرآن کریم تجلی یافته همواره موجبات سرافکنندگی و شرمساری را برای مخالفین خود به ارمغان آورده است. قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین معجزه خاتم الانبیاء علیهم السلام در طول ۱۴ قرن متمادی، در مواجهه با مخالفین خود سرافراز و استوار بوده و خم بر ابروی دشمنان اسلام آورده است. این دشمنی‌ها با ضعف در پاسخگویی به تحدی قرآن آشکارتر گشت و آنان را به ایجاد شبهات و انجام تحریف‌های معنوی گوناگون واداشت. قرون اخیر نیز از این قاعده مستثنا نبوده و مخالفین این دین الهی سعی در پراکنده نمودن شبهاتی در مورد معارف اسلامی و قرآنی نموده‌اند که دانشمندان غربی را می‌توان پرچمدار این مقابله و نزاع دانست.

با توجه به فرهنگ غنی اسلامی و پیشرفت علمی مسلمانان، غرب از این دستاوردها تأثیر پذیرفت و در قرون وسطی اقدام به شناخت جوامع شرقی و مخصوصاً اسلامی نمود. سال‌های پس از رنسانس را می‌توان دوره رشد مطالعات استشرافی و اسلام‌شناسی توسط دانشمندان غربی نامید چرا که در این دوره مستشرقان به چاپ گسترده تر کتب اسلامی و تنظیم آنها پرداختند. با نگاهی کوتاه به دوره‌های استشراق در طول تاریخ می‌توان مطالعات و فعالیت‌های آنان را در راستای سه هدف تبشیری، استعماری و علمی تقسیم نمود. دوره استشراق تبشیری و استعماری عمدتاً به عصر استعمار کهن بر می‌گردد که در آنها جوامع مستعمر به وسیله میسیونرهای مذهبی و یا جاسوسان استعماری سعی در شناخت فرهنگ و ارزش‌های اصلی جامعه‌ی هدف داشته تا از طریق آن بتوانند اهداف استعماری خود را هر چه بهتر اجرا نمایند. اما در مقابل استشراق علمی با نگاهی به دور پیش‌دآوری به بررسی آثار ملت‌های شرقی و مخصوصاً آثار اسلامی و از جمله قرآن کریم پرداختند. از رهگذر مطالعات مستشرقان در حوزه‌های مختلف آثاری به وجود آمد که محور سایر مطالعات اسلام‌شناسی قرارگرفت و حتی سبب پدید آمدن علمی جدید در میان علوم

اسلامی شد. مهمترین فعالیت مستشرقان در عالم اسلام، مطالعات گسترده بر روی قرآن کریم و سنت می باشد که صدها کتاب و مقاله حاصل این فعالیت ها بوده است. آنها با مطالعه بر روی قرآن کریم به القاء شبهاتی در حوزه های مختلفی همچون: علوم قرآن، تاریخ قرآن، معارف قرآن، تاریخ تفسیر و حدیث روی آوردند که آنها را در قالب های دانشنامه ها و دایرة المعارف های بزرگی همچون دائرة المعارف اسلام چاپ و منتشر نمودند.

البته باید گفت که اسلام شناسان منصفی نیز در این میان گهگاه از میان مطالعات خود به حقانیت قرآن و اسلام شهادت داده و حتی به دین اسلام گرویده اند. مطالعات گسترده خاورشناسان در مورد اسلام با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی شدت یافت و حوزه های گوناگون دیگری همچون تشیع، امامان شیعه، فرقه های شیعه، فقه شیعه، روایات تفسیری شیعه، انقلاب اسلامی در ایران و رهبران آن را به حوزه های اصلی مورد نظر خود افزودند. آنچه واضح است این است که جریان استشراق با تلاش روزافزون در جهت شناخت منابع اسلامی و کوشش جهت نفی حجیت این منافع و ایجاد تردید در آنها سعی در اضمحلال اسلام عزیز به وسیله شبهه پراکنی دارد. لذا بایسته است که علمای علوم قرآن، حدیث، تفسیر و غیره که دل در گرو اسلام عزیز دارند با تلاشی جهاد گونه در راستای پاسخگویی و نقد و بررسی فعالیت های آنان بر آمده و با شناخت صحیح از نقاط مثبت و منفی مطالعات آنها، تقابل مثبتی را در این عرصه رقم بزنند.

واژه شناسی «اسلام هراسی»

اسلام هراسی، از واژه های جدیدی است که بستر پیدایش آن به اواخر سال ۱۹۸۰ م. برمی گردد، ولی به مفهوم رایج آن، پس از وقایع ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده امریکا، به رابطه اسلام و غرب مربوط می شود. [اسلام هراسی] در عمل دارای سابقه طولانی و عقبه ای هزار ساله است و در مقاطع گوناگون در جنگ ها، داد و ستدهای تجاری و سیاسی، روابط انسانی و مناسبات شخصی و مباحث علمی ظهور و بروز داشته است. (درخشه، ۱۳۸۸،

«واژه اسلام‌هراسی [مركب] از دو کلمه Islam+ phobia و حرف O میانه که از ادات وصل است، بر ایجاد و پدید آمدن نوعی ترس ساختگی و توهمی از اسلام دلالت می‌کند. پسوند phobia در انگلیسی به معنای القای اغراق آمیز یک هراس و ترس غیر منطقی در مواجهه با هر پدیده‌ای است». (مرشدی زاد، ۱۳۸۸، ص ۱۴)

اشاعه یک تصویر خلاف واقع، منفی و غیر اصولی از اسلام به منظور ترویج حس توأم با تنفر و تعصب آمیز نسبت به اسلام و جوامع اسلامی، مخرج مشترک تعاریفی است که از اسلام‌هراسی ارایه شده است. بنابراین، برانگیختن حس تنفر نسبت به مسلمانان و تهدید جلوه دادن اسلام، دو عنصر اساسی در اسلام‌هراسی به شمار می‌رود. به همین دلیل، در جهان غرب که مسلمانان در اقلیت به سر می‌برند، اسلام‌هراسی، پی آمدهای تلخ و سنگینی برای جامعه مسلمین داشته است. حمله به مساجد، نگریستن به مسلمانان به عنوان اجانب و غریبه، تبعیض در واگذاری مشاغل و مقام‌های مطلوب، زیر نظر داشتن و تحت مراقبت قرار دادن محله‌های مسلمان نشین به طور ویژه، نمونه‌هایی از این پی آمدهاست. (مجیدی، ۱۳۸۸، ص ۲) مؤسسه «رانیمد تراست» در تعریف این واژه چنین گفته است: «اسلام‌هراسی عبارت است از ترس و اکراهی بی اساس در برابر مسلمانان که باعث دفع آنها و تبعیض علیه آنها می‌شود». استفن شوارتز، نویسنده امریکایی در مقاله «اسلام‌هراسانی که نیستند» می‌گوید: اسلام‌هراسی، محکوم سازی کلیت اسلام و تاریخ مسلمانان به عنوان امری افراطی؛ انکار اکثریت میانه روی مسلمان و در نظر گرفتن اسلام به عنوان مشکلی برای جهان است». (اسلام‌هراسی، ۱۳۹۰، ص ۳۳)

بنابراین، اسلام‌هراسی، پدیده‌ای است که بخشی از محافل تصمیم‌گیری سیاسی - فرهنگی در غرب آن را به طور سازمان یافته برای مقابله با اسلام طراحی کرده‌اند و با استفاده از ابزار رسانه در اشکال گوناگون و در سطوح مختلف اعمال می‌شود.

اسلام‌هراسی جلوه‌ی بارز شرق‌شناسی

ادوارد سعید معتقد است که شرق‌شناسی شبیه یهودی ستیزی است. وی اعتقاد دارد

شرق‌شناسی شاخه اسلامی یهودی ستیزی است؛ به گونه‌ای که بسیاری از شرق‌شناسان پیامبر اسلام را به انتشار قرآن جعلی متهم می‌کنند. آنها اصالت اسلام را از بین برده و آن را نسخه‌ای منحط از فرهنگ مسیحی معرفی می‌کنند. برنارد لوئیس در این رابطه مدعی می‌شود که اسلام یک پدیده وحشتناک عمومی است که به صورت مشترک یهودیان و مسیحیان را هدف قرار داده است.

ادوارد سعید معتقد است که ترس از اسلام (اسلام‌هراسی) در غرب و بویژه آمریکا به دوره جنگ اکتبر ۱۹۷۳ بین مصر و اسرائیل باز می‌گردد، یعنی زمانی که عربستان سعودی تهدید به قطع صادرات نفت کرد و به این ترتیب قیمت سوخت در این کشورها بالا رفت. به این گونه بود که مسلمان عرب به عنوان انسانی خشن معرفی شد و شرق‌شناسان به جامعه اروپایی گفتند که عرب‌ها خون‌ریز هستند و خشونت و فریب در ذات آنها نهفته است.

یکی از همین مستشرقین ادعا کرد که نقطه اشتراک تمام اهالی خاورمیانه نفرت و دشمنی با یهودیان است. البته برخی می‌گویند که پدیده اسلام‌هراسی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و در پی جستجوی غرب از دشمنی جایگزین شدت گرفت، به گونه‌ای که در آن زمان رسانه‌های غربی و اروپایی دیدگاه‌های پژوهشگرانی نظیر فرانسیس فوکویاما نظریه‌پرداز سابق نو محافظه‌کاران و شاگرد آلان بلوم و لیو اشتراوس مؤسس دیدگاه‌های نو محافظه‌کاران در آمریکا را ترویج دادند.

فوکویاما در کتاب پایان تاریخ خود مدعی شد که اسلام رقیب ایدئولوژیک لیبرال دموکراسی غرب پس از فروپاشی جماهیر شوروی خواهد بود. ساموئل هانتینگتون نیز در کتاب برخورد تمدن‌ها این دیدگاه را تکرار کند، دیدگاهی که مبتنی بر نظرات شرق‌شناسان بوده و مفاد آن این بود که درگیری ایدئولوژیک بین مارکسیسم و لیبرالیسم به پایان رسیده و درگیری آینده بین تمدن‌ها از جمله تمدن اسلامی خواهد برد. این فضا زمینه سیاسی برای روی کار آمدن راست‌گرایان افراطی یعنی نو محافظه‌کاران در تأثیرگذارترین پست‌ها را باعث شد و به همین نسبت در روند مناسبات آمریکا با جهان اسلام تأثیرگذار بود. حوادث ۱۱

سپتامبر نیز در این زمینه به بهانه‌ای برای اشغال و تخریب دو کشور اسلامی یعنی افغانستان و عراق تبدیل شد. صهیونیست‌ها، از ترس غربی‌ها از اسلام استفاده کرده و سعی در تقویت این رویکرد داشتند تا بتوانند خود را در مبارزه با اسلام به عنوان متحد غرب نشان دهند.

پدیده اسلام‌هراسی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر که سازمان القاعده به رهبری اسامه بن لادن مسئولیت آن را برعهده گرفت، به اوج خود رسید. صهیونیست‌ها از این حادثه استفاده کردند تا نظریه خود مبنی بر حمایت اسرائیل از ارزش‌های دموکراتیک آمریکا و حضور در میدان مبارزه مشترک با تروریسم اسلامی را ترویج کنند. آنها در این چارچوب یاسر عرفات رئیس تشکیلات خودگردان را با بن لادن مقایسه کردند، آنها تلاش کردند رویکردهای تروریستی را به مبارزه ملت فلسطین بر ضد اشغالگری مرتبط ساخته و مشروعیت مقاومت را زیر سؤال ببرند.

در همین رابطه باراک اوباما رئیس‌جمهور کنونی آمریکا نیز در سخنرانی خود در سال ۲۰۰۹ در آپیک گفت که آمریکا و اسرائیل ارزش‌های مشترکی داشته و در روند جنگ بر ضد تروریسم شریک هستند. این موضوع را عوفیر جندلمن سخن‌گوی نخست وزیر رژیم صهیونیستی نیز در رابطه با ماهیت مناسبات آمریکا و اسرائیل تکرار کرد.

نخست وزیر رژیم صهیونیستی با در پیش گرفتن این رویکرد در پی حمله تروریستی به پاریس در سال ۲۰۱۵ خطاب به سفیر فرانسه گفت: ما پایدار هستیم و سکوت نمی‌کنیم. با اینکه وحشی‌ها قربانیانی را در میان ما ایجاد کردند، ما به ارزش‌ها و صداقت و آزادی خود افتخار می‌کنیم. هنگامی که جریان‌های متعدد مشکل خود را تشخیص دهند هیچ چاره‌ای جز اتحاد برای از بین بردن این حیوانات باقی نمی‌ماند. این حیوانات نامی‌دانند و آن نام اسلام افراط‌گرا است.

اطلاعات موجود نشان می‌دهد که پدیده اسلام‌هراسی در آمریکا به دست مجموعی از صهیونیست‌ها اداره می‌شود. این چیزی است که پول فندلی در کتاب خود به آن اشاره می‌کند. همچنین برخی پژوهشگران آمریکایی در گزارشی که در سال ۲۰۱۱ منتشر کردند، نیز

به این نتیجه رسیدند

ناتان لین مؤلف کتاب "صنعت اسلام‌هراسی" معتقد است که پدیده اسلام‌هراسی، صنعتی کامل است که سود مادی و معنوی به دنبال داشته و صاحبان آن را برای رسیدن به قدرت بر روی جنازه انسان‌های بی‌گناه کمک می‌کند. لین این موضوع را از لحاظ تاریخی مورد بررسی قرار داد و ثابت می‌کند که ایجاد وحشت در میان مردم آمریکا موضوع تازه‌ای نیست و تاریخی طولانی دارد، تلاش‌هایی که در این رابطه انجام می‌شود، مبتنی بر واقعیت‌ها نبوده، بلکه برای اهداف مشخصی دنبال شده است. از همین رو مشاهده می‌شود که روند اسلام‌هراسی در سال ۲۰۱۲ در آمریکا بسیار پرتلاش از قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر است. این اقدامات تصادفی نیست بلکه در نتیجه یک رویکرد سازماندهی شده اتفاق افتاده است. صنعت اسلام‌هراسی در غرب تنها منحصر به لابی صهیونیستی نیست، بلکه به تجارتي سودمند تبدیل شده که بیشتر نویسندگان و روزنامه‌نگاران و سیاست‌مداران آن را به عنوان ابزاری برای سوددهی و کسب منافع سیاسی دنبال می‌کنند.

در آلمان آنجلا مرکل پس از اجازه دادن به چند هزار مهاجر سوری با تظاهرات اعتراض‌آمیز راست‌گرایان تحت شعار "جلوگیری از اسلامی سازی کشور" مواجه شد. در فرانسه میشل ولباک در کتاب خود با عنوان "تسلیم" پیش بینی کرد که بعد از انتخاب رئیس جمهوری از حزب اسلامی، فرانسه در سال ۲۰۲۲ به کشور اسلامی تبدیل شود. دونالد ترامپ نامزد جمهوری ریاست جمهوری آمریکا از حادثه کشته شدن ۱۴ آمریکایی به دست یک زوج مسلمان سوءاستفاده کرده و خواستار ممنوعیت ورود مسلمانان به آمریکا می‌شود. این شواهد تنها نمونه‌هایی از رفتارها در زمینه پدیده اسلام‌هراسی در غرب است که البته از عملکرد برخی گروه‌های افراط‌گرایی اسلامی تغذیه می‌کند.

عبدالله محمد معتقد است که مکتب شرق‌شناسی مدرن مبتنی بر سه محور اصلی

است که عبارتند از:

« تهدید مسلمانان متعصب»، «حتمی بودن پیروزی غرب‌گرایان» و «حق اسرائیل». در

تشریح این مکتب می‌بینیم که بیشتر وابستگان به آن از یهودیان و صهیونیست‌ها یا هواداران آنها هستند و مفهوم خطر در دیدگاه آنها خطر نسبت به اسلام گرایان است. از شرق‌شناسان معاصر مطالب بسیار اندکی نظیر کتاب‌های مایکل کوک و جاکلین الشابی منتشر شده است، تعداد مطالعات مربوط به شرق‌شناسی در مؤسسات علمی و کرسی‌های دانشگاهی و مجلات ویژه دچار کاهش شدید شده است، همچنین تمامی کنفرانس‌های مربوط به شرق‌شناسی نیز متوقف شده و سطح یادگیری زبان عربی کاهش پیدا کرده است.

اسلام هراسی غربیان از منظر قرآن

اسلام هراسی و اسلام ستیزی غربیان سبقه‌ای به اندازه کل تاریخ اسلام دارد. از زمانی که پرچم اسلام توسط پیامبر اکرم ص در مکه برافراشته شد این دشمنی‌ها که بیشتر توسط یهودیان بود بر علیه پیامبر ص شروع شده. به دنبال بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و هجرت ایشان به مدینه احبار و علمای یهود که با شوق دیدار پیامبر آخرالزمان به مدینه آمده بودند، وقتی دیدند که پیامبر آخرالزمان از قوم و قبیله آنان نیست دست به توطئه علیه او و دینش زدند. قرآن کریم در آیات متعددی به این مهم اشاره کرده است.

یکی از مهمترین آیات قرآن که به این مهم اشاره دارد این آیه می‌باشد: (لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَتِيلِينَ وَ زُهَبَاناً وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ) (مائده، ۵، ۸۲)^۱ در این آیه بدترین دشمن مسلمانان یهودیان معرفی شده‌اند با بیان اینکه مراد از این یهودیان متعصبان و تندروها و رهبران آنان است که علم جنگ و مخالفت با اسلام را بر دوش داشتند و دارند

۱. مسلماً سرسخت‌ترین مردم را در دشمنی با کسانی که ایمان آورده‌اند، یهود و مشرکان خواهی یافت و نزدیکترین آنها را در دوستی با مؤمنان کسانی می‌یابی که گفتند: ما نصاریم. این بدان سبب است که گروهی از آنان کشیشان و راهبان اند و آنها تکبر و بزرگ منشی نمی‌ورزند.

البته این دشمنی مختص آن زمان پیامبر ص نبوده و با حوادث کنونی که در جهان در حال وقوع است، نیز بر اساس روایتی از امام باقر علیه السلام که آیات قرآن مانند خورشید و ماه تا قیامت جریان دارند قابل تطبیق است. دشمنان اسلام و قرآن از راهها و طرق مختلف با اسلام به مخالفت برمیخواستند که در قرآن به آنها اشاره شده است به عنوان نمونه به تعدادی از آیات و دلایل این دشمنی ها اشاره می کنیم:

کتمان حق

در برخی از آیات نشان میدهد که کافران اهل کتاب در گفتگو یا مناظره با مسلمانان و به رغم آگاهی و اذعان به حقانیت اموری چون بعثت پیامبر اسلام و تغییر قبله (طبری مج ۲، ج ۲، ص ۳۷؛ طوسی، ج ۲، ص ۲۱) آن را پنهان می ساختند و از قبول حقانیت قرآن کریم و دعوت پیامبر ص سر باز میزدند: **وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ**. (بقره، ۲، ۱۴۶).

تلاش برای منحرف ساختن مسلمانان

گروهی از اهل کتاب چنان در آتش حسادت هدایت یابی مسلمانان و نعمت های خداداد آنان می سوختند که از هیچ کوششی برای تضعیف عقیده و ایمان آنان و بازگشت از اسلام فروگذار نمی کردند: **وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ**. (آل عمران، ۳، ۶۹) از این رو خداوند مؤمنان را از پیروی آنها برحذر داشته تا مبدا آنان را از اسلام جدا ساخته، به کفر بازگردانند: **إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ آوَتْوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَفِرِينَ** ۳. (سوره آل

۱. و البته گروهی از آنان حق را دانسته کتمان می کنند.

۲. گروهی از اهل کتاب آرزو می کنند که شما مسلمانان را گمراه سازند در حالی که جز خودشان کسی را به گمراهی نمی افکنند و این را درک نمی کنند.

۳. ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از گروهی از کسانی که به آنان کتاب آسمانی داده شده است پیروی کنید، شما را پس از آن که ایمان آورده اید به کفر باز می گردانند.

عمران 3، 100) (طوسی، ج ۲، ص ۵۴۱؛)

تلاش آنان برای گمراه کردن مسلمانان به درجه ای رسید که در توطئه ای خطرناک تصمیم گرفتند صبحگاهان با اظهار اسلام به صف مسلمانان پیوندند؛ اما شبانگاهان ارتداد خود را اعلام کنند. (طوسی، ج ۲، ص ۴۹۹؛ طبرسی، ج ۱، ص ۱۸۲) تا مسلمانان پندارند که آنان با اسلام مخالفتی ندارند؛ اما چون پس از تحقیق، بطلان آن را فهمیدند از آن دست کشیده اند. این توطئه چنان خطرناک بود که می توانست تهدیدی جدی برای نو مسلمانان سست ایمان باشد؛ اما قرآن خطر آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله گوشزد کرد و مانع این توطئه شد: «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (سوره آل عمران ۳، ۷۲)

ایجاد تفرقه میان مسلمانان

اهل کتاب به ویژه یهود همواره در پی انتقام از مسلمانان بودند و یکی از راههای انتقام ایجاد تفرقه میان آنان بوده است و چون اهل کتاب از دیرباز در مدینه و پیرامون آن سکونت داشتند و از اختلافات دیرینه میان اوس و خزرج و ریشه این منازعات باخبر بودند با استفاده از هر فرصت مناسبی این منازعات را به یاد آنان انداخته، آتش فتنه را شعله ور می ساختند. شماری از مفسران، (طبری، مج ۳، ج ۴، ص ۳۲-۳۳؛ قرطبی، ج ۴، ص ۹۹-۱۰۰) سوره آل عمران 3/ را اشاره به این تفرقه افکنی از سوی یهود دانسته اند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُصَدِّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَن ءَامَنَ تَبِعُونَهَا عَوَجًا» (آل عمران، ۳، ۹۹)

۱. و گروهی از اهل کتاب (عالمان یهود) به همکیشان خود گفتند: آنچه را که بامدادان بر مسلمانان فرو فرستاده شد و قبله شما را تأیید کرد، تصدیق کنید، و آنچه را که در پایان روز نازل شد و قبله دیگری برای آنان تعیین نمود، انکار کنید، شاید از آن بازگردند.

۲. بگو: ای اهل کتاب، چرا کسانی را که ایمان آورده اند، از راه خدا باز می دارید و کج آن را می طلبید با این که حقیقت را می دانید و بر آن گواهیید ؟ و خدا از آنچه می کنید بی خبر نیست.

گاهی نیز کار اختلاف برانگیزی چنان مؤثر می‌افتاد که دو طرف دست به سلاح می‌بردند. در این گونه موارد آتش فتنه با تماس های مکرر پیامبر ﷺ با اوس و خزرج و پند و نصیحت آنها خاموش می‌شد (طبری، مج ۳، ج ۴، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ قرطبی، ج ۴، ص ۱۰۰؛)

فشار اقتصادی

یکی از راههای دشمنی دشمنان اسلام فشار اقتصادی بود که هم اکنون هم در دنیا شاهد این گونه فشارها از طرف کشورهای غربی در راس آنها آمریکا بر کشورهای اسلامی هستیم. در صدر اسلام نیز یهود با عدم پرداخت دیون خود به مسلمانان در صدد فشار اقتصادی به آنان برآمدند. این اقدام زمانی صورت گرفت که وضعیت مالی مسلمانان در مدینه بسیار دشوار بود و آنان از پرداخت پول مسلمانان در ازای خرید کالا به این دلیل که این معامله در دوران جاهلیت و پیش از اسلام انجام گرفته، سرباز زدند.

به گفته برخی مفسران آیه ۷۵ سوره آل عمران ۳ به این نکته اشاره دارد (طبری ج ۲، ص ۵۰۴؛ الصحيح من السیره، ج ۶، ص ۳۲) همچنین هنگامی که پیامبر ﷺ ابوبکر را برای دریافت کمک مالی نزد رهبر قبیله بنی قینقاع فرستاد، آنان به طعنه گفتند که خدای شما دست نیاز به سوی ما گشوده و او تهیدست و ما توانگریم.. (طبری، مج ۳، ج ۴، ص ۲۶۱-۲۵۸) (سوره آل عمران، ۳، ۱۸۱)

آزار پیامبر ﷺ و مسلمانان

برخی آیات نشان می‌دهد که افرادی از اهل کتاب همانند مشرکان با شیوه‌های گوناگون، از جمله با سخنان خود، مسلمانان را اذیت می‌کردند: وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا. (سوره آل عمران، ۳، ۱۸۶) برخی آیه را در شأن کعب بن اشرف شاعر از یهودیان مدینه نازل دانسته‌اند که در اشعار خویش به تحریک مشرکان و هجو

۱. و حتماً از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی به آنان داده شده است (یهود و نصارا) و نیز از کسانی که به شرک روی آورده‌اند، سخنان آزاردهنده بسیار خواهید شنید،

پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان پرداخته و نام و زیبایی های زنان مسلمان را موضوع غزلهای عاشقانه خود قرار می‌داد (طبرسی، ج ۲، ص ۹۰۳)

تحریف و کتمان بشارت بعثت پیامبر اسلام

بر اساس برخی آیات، اهل کتاب بر پایه بشارت های آمده در تورات و انجیل، خیلی دقیق و روشن، پیامبر اسلام را می‌شناخته‌اند (سوره بقره ۲/۱۴۶؛ سوره آل عمران ۳/۲۰) اما به رغم این بشارت ها، دست به تحریف و کتمان آنها زده، از تصدیق حقانیت قرآن و پیامبر اسلام خودداری می‌کردند.

تغییر کلماتی همچون «فارقلیطا» که معادل کلمه «احمد» صلی الله علیه و آله است به «پارکلی طوس» نمونه‌ای از این تحریف ها است، (قمی، ج ۲، ص ۴۶۸؛ معرفت، ص ۱۴۸۱۲۱) از این رو، قرآن اهل کتاب را بدان جهت که در کتاب های آسمانی دست برده و آن را به صورت ناقص ارائه داده‌اند سرزنش می‌کند: تَجْعَلُونَهُ قَرَأِطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا (سوره انعام، ۶، ۹۱) و چون تحریف و تصرف آنها در کتاب خدا، موجب شد بخش های فراوانی از کتاب الهی از بین برود آنان را از کسانی می‌شمارد که تنها از بخشی از کتاب آسمانی بهره‌برده‌اند: «الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ» (طباطبایی، ج ۳، ص ۱۲۴، ۳۰۸، ۳۳۰، ج ۳، ص ۱۲۴، ۳۰۸، ۳۳۰).

به صورت کلی شاید بشود گفت از مهمترین علل و عوامل دشمنی و اسلام ستیزی غربیان و در راس آنها یهودیان به عواملی از قبیل: دنیاپرستی، مال دوستی، جاه طلبی عالمان یهود، لج بازی و نژادپرستی و خود را قوم برتر دانستن می‌باشد. یکی دیگر از دلایل مهم دشمنی به عدم اعتقاد و بارو به مسئله مهم معاد می‌باشد. در سوره مبارکه جمعه به صراحت از آنان خواسته اگر صداقت دارند و حق با آنان است تمنای مرگ کنند اما خود آیه

۱. شما آن را در کاغذهایی می‌نویسید و بخشی از آن را آشکار می‌کنید و بسیاری را نهان می‌دارید.

۲. آیا به کسانی که بهره‌ای از کتاب آسمانی یافته‌اند (یهودیان) ننگریسته‌ای

تصریح دارد که آنان جرئت چنین کاری ندارند زیرا صداقت ندارند. در مجموع دشمنی مستمر یهود با اسلام و شدت عداوت آنان موضوعی محوری است که در قرآن به صورت روشن و واضح تصریح شده است، لذا ایستادگی در مقابل ترفندها و جنایات آنان و اتحاد مسلمین در برخورد با کسانی که امروز به جنایت علیه مسلمانان دست زده‌اند وظیفه همه مسلمانان است.

دوره‌های اسلام هراسی در عصر حاضر

پدیده اسلام هراسی در یک نظر در زمان معاصر به چهار دوره تقسیم می‌شود: دوره اول: این مرحله از اواخر دهه ۸۰ م. آغاز شد. انقلاب اسلامی ایران در سال‌های نخست پیروزی سبب ایجاد خودآگاهی دینی در میان مسلمانان و بازیابی هویت اسلامی در دنیا شد که گفتمان بیداری اسلامی را تقویت کرد و به تدریج، به گفتمان مسلط جهان اسلام تبدیل شد. انتشار کتاب آیات شیطانی و اهانت به مقدسات اسلامی را می‌توان در این جهت ارزیابی کرد، به طوری که جهان غرب در برابر اعتراض‌های گسترده مسلمانان به این کتاب، نه تنها انتشار آن را ممنوع نکرد، بلکه بارها از کتاب و نویسنده آن تجلیل کرد. (نک: سراج، ۱۳۸۹، ص ۲)

دوره دوم: از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹ م. آغاز می‌شود. یکی از راهبردهای سیاست خارجه ایالات متحده امریکا، وجود یک دشمن واقعی یا فرضی است که بر همین اساس، سیاست مداران غربی طرح اسلام هراسی را با هدف پر کردن خلأ بیگانه هراسی، جای‌گزین کمونیسم هراسی کردند.

ریچارد نیکسون، رئیس جمهوری پیشین امریکا، در کتاب فرصت را دریابیم که در سال ۱۹۹۱ م. چاپ شد، رهنمودهای مهمی به سردمداران کاخ سفید کرد. وی در مقدمه کتاب به این نکته اشاره دارد که با پایان یافتن جنگ سرد، وضعیت جهان، نه تنها ساده‌تر نشده، بلکه پیچیده‌تر گشته و نقش ایالات متحده امریکا، بیشتر از پیش شده است.

وی در بررسی جریان‌های فکری غالب در کشورهای اسلامی که شامل بنیادگرایی،

رادیکالیسم و تجدد است، جریان بنیادگرایی اسلامی را چنین توصیف می‌کند:
این گروه را نفرت شدید از غرب و تصمیم به اعاده برتری تمدن اسلامی، از راه زنده کردن گذشته آن، به حرکت در می‌آورد. قصد آنان، حاکم کردن

شریعت است؛ یعنی مجموعه قوانینی که پایه در قرآن دارد؛ قرآنی که دین و دنیا را از هم جدا نمی‌داند. اینان اگرچه گذشته را راهنمای آینده می‌دانند، انقلابی‌اند و محافظه کار نیستند؛ می‌خواهند پیش از ساختن دنیای نو، دنیای کهن را نابود سازند (نیکسون، مترجم و سفی نژاد، ۱، ص ۱ و ۲).

نظریه «برخورد تمدن» های ساموئل هانتینگتون در همین زمینه در سال ۱۹۹۳ م. مطرح شد. این نظریه به جهان پس از فروپاشی بلوک شرق توجه دارد و از شکل‌گیری تمدن‌ها بحث می‌کند و روابط و منازعات بین‌المللی را در عرصه فرهنگی و تمدنی می‌داند. هانتینگتون از میان تمدن‌های نام برده شده، بیش از همه بر تمدن اسلامی تأکید می‌کند و معتقد است که جهان غرب باید به گونه‌ای آن را مهار کند. (همان، ص ۵)

القای اینکه اسلام، دین خشونت طلب، مروج عصبیت، بنیادگرا، مخالف علم و پیشرفت و مولد اندیشه تروریسم است، بخش‌هایی از اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در این مرحله را شامل می‌شود.

دوره سوم: سومین موج اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر و انفجارهای نیویورک و واشینگتن عملیاتی شد. در این مرحله، رسانه‌های استکبار جهانی تلاش کردند بنیان روابط جهان اسلام و غرب را دگرگون سازند و شکاف تمدنی بین اسلام و غرب را القا کنند.

متهم کردن مسلمانان به دست داشتن در حادثه ۱۱ سپتامبر، این احساس را در دولت‌های غربی به ویژه آمریکا به وجود آورد که با آزادی عمل بیشتر می‌توانند حملات تبلیغاتی و حتی نظامی را بر ضد مسلمانان به راه‌اندازند.

جورج بوش، رئیس‌جمهوری آمریکا، مبارزه با تروریسم را جنگ صلیبی خواند و موضوع اهانت به مقدسات مسلمانان در دستور کار سردمداران غربی قرار گرفت. حتی بعضی از

آنها، مقابله با اسلام را «جنگ جهانی چهارم» دانستند. امریکا هم در این موقعیت به افغانستان و عراق حمله کرد و هم زمان حملات رسانه‌ای به مسلمانان افزایش یافت. در سال‌های اخیر، انتشار کاریکاتورهای اهانت آمیز بر ضد پیامبر اکرم ۹ در روزنامه‌های دانمارکی و تقدیر مرکل، صدر اعظم آلمان، از کاریکاتوریست یاد شده و سخنرانی پاپ، حرکت‌های خاینانه گروه‌های تروریستی مثل القاعده در اروپا، فکر مردم آنجا را در فرآیندی رسانه‌ای به سمت اسلام هراسی سوق داد. در این مرحله، رسانه‌های وابسته به صهیونیسم و نظام سلطه، جریان اسلام هراسی را چنان سامان دهی کردند که مسلمانان به شدت تحقیر شدند. (استیفن، ۱۳۸۵، ص ۳)

دوره چهارم: «در پی ناکامی امریکا در عراق و شکست «طرح خاورمیانه بزرگ» که در واقع، شکست رویکرد سخت افزاری در راهبردهای اسلام هراسی و اسلام ستیزی بود و همچنین پیروزی گفتمان اصول گرایی در ایران در چند سال اخیر، موج دوم بیداری اسلامی در منطقه پدیدار شد.

این موج دوم که با پیروزی اسلام گرایان و به قدرت رسیدن آنان در برخی کشورهای اسلامی به ویژه پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه با رژیم صهیونیستی همراه بود، نظام سلطه را وادار کرد تا موج چهارم اسلام هراسی و اسلام ستیزی را طراحی و اجرا [کند]». (سراج، ۱۳۸۹، ص ۵)

اسلام هراسی از نگاه مقام معظم رهبری

رهبر انقلاب اسلامی در کالبدشکافی پدیده‌ی اسلام‌هراسی آن را «ترجمه‌ی هراس و سراسیمگی قدرتها در مقابل اسلام» معرفی کرده و قدرت یافتن روزبه‌روز انقلاب اسلامی و نظام اسلامی برآمده‌ی از آن را علت اساسی شکل‌گیری و دامن زدن به این مسئله معرفی می‌کنند:

اسلام‌هراسی در واقع ترجمه‌ی هراس و سراسیمگی قدرتها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است. یعنی شما اینجا زحمت کشیدید، ملت ایران تلاش کردند، زحمت کشیدند،

مجاهدت کردند، نظام اسلامی را سرکار آوردند و این نظام اسلامی را تثبیت کردند، پایه‌اش را محکم کردند، آن را در مقابل حوادث گوناگون مصونیت و ایمنی دادند و روزبه‌روز قوی کردند؛ این، قلدرهای دنیا را میترساند. اسلام‌هراسی‌ای که امروز وجود دارد، در واقع انعکاس و بازتاب دغدغهی آنها است، سراسیمگی آنها است؛ نشان می‌دهد که شما پیش رفتید؛ نشان می‌دهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به‌طور موفق‌تاً اینجا پیش ببرد. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳: [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29151)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قبلاً نیز «حرکت عظیم اسلامی» در جهان اسلام را عامل ترس دشمن و تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی به اسلام معرفی کرده بودند:

امروز دنیای اسلام با تهاجم سیاسی و فرهنگی و تبلیغاتی همه‌جانبه‌ی دشمنان اسلام مواجه است. این نکته را باید در همه‌ی جهان اسلام، همه‌ی آحاد مردم، بخصوص نخبگان، بخصوص روشنفکران، علمای دین، افراد برجسته‌ی سیاسی غفلت نکنند. امروز تهاجم علیه اسلام و مقدسات مسلمانان همه‌جانبه است و این نه به خاطر این است که دشمن قوی شده است، به خاطر این است که دشمن در مقابل حرکت عظیم اسلامی احساس ضعف می‌کند (خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۰/۰۷/۱۳۸۷:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3902>

درک و تفسیر ما از واقعیت‌های جهان پیرامون تأثیر مستقیمی بر نوع و چگونگی کنش‌ها و واکنش‌هایمان دارد و این موضوع در نحوه‌ی برخورد رهبر انقلاب با جریان اسلام‌هراسی و امواج متأخر آن در جهان غرب نمود دارد. چنانچه اسلام‌هراسی را ناشی از ترس و ضعف دشمن در مقابل جریان پیشرونده‌ی اسلامی بدانیم نوعی از واکنش و طراحی در برابر آن خواهیم داشت که در یک کلام می‌توان این واکنش را از منظر آیت‌الله خامنه‌ای «مواجهه‌ی فعال و روبه‌جلو» دانست:

به نظر من در برابر پدیده‌ی اسلام‌هراسی مطلقاً نباید منفعل شد؛ بله، اسلام‌هراسی وجود دارد؛

عده‌ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام میترسانند؛ اینها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را میشکافیم و در مسئله دقت می‌کنیم، می‌بینیم که اینها همان اقلیت قدر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام میترسند. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29151>).

ارسال نامه به جوانان غربی و دعوت از آنان برای تفکر پیرامون پدیده‌ی اسلام‌هراسی و زنده کردن حس حقیقت‌جویی در آنان از چنین منطقی برمی‌خیزد.

ایشان در درجای دیگر در رابطه با اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی غربیان می‌فرمایند:

امروز یکی از کارهای اساسی و مهمی که در شرکتهای هنری معروف دنیا مورد استفاده قرار میگیرد عبارت است از ترساندن مردم از اسلام. چرا؟ اگر اسلام منافع جهان‌خواران را تهدید نکرده بود، در مقابل آن، این واکنشها نشان داده نمیشد. اینکه می‌بینید گروه‌هایی را به نام اسلام و به نام حکومت اسلامی میسازند، میتراشند، مسلح می‌کنند، پشتیبانی می‌کنند، به جان انسانها می‌اندازند و کشورها را به وسیله‌ی آنها ناامن می‌کنند، این نشان‌دهنده‌ی نفوذ پیام اسلام است. از اسلام حقیقی میترسند، از اسلام ناب میترسند؛ اسلامی که نسل پیش از شما در میدانهای نبرد، در میدانهای سیاست، در میدانهای انقلاب آن را سردست گرفت و به دنیا نشان داد. و همین‌طور که این جوانهای عزیز اشاره کردند و نشان دادند، امروز شما وارثان آن شهدای بزرگ و آن مردان عظیم‌القدر هستید. پیام اسلام برای انسانیت، پیام آسایش، عزت، سربلندی و پیام زندگی همراه با امن و امان است؛ این را دشمنان نمی‌خواهند در دنیا شناخته بشود و ملتها با آن آشنا بشوند» (بیانات در هشتمین مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۹۳/۸/۲۶:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28199>

دلایل گسترش اسلام ستیزی

اشاره

عوامل متعدد و متنوعی در گسترش اسلام ستیزی در غرب تاثیر داشته‌اند. بررسی این عوامل به شناخت هر چه بیشتر دلایل و اشکال اسلام ستیزی کمک خواهد کرد. این دلایل گرچه در موارد زیادی به یکدیگر مرتبط هستند ولی می‌توان آنها را در پنج دسته تقسیم‌بندی کرد:

دلیل اول: دلایل و زمینه‌های تاریخی

از لحاظ تاریخی، توسعه و گسترش اسلام و تشکیل جوامع و حکومت‌های اسلامی در بسیاری از مناطق آنها را رویاروی جهان غرب و حکومت‌های مسیحی قرار داد. مسلمانان ۸۰۰ سال اندلس را تحت کنترل خود داشتند. در جنگ‌های صلیبی جوامع مسیحی در یک جهاد مذهبی سراسری در جنگی که نزدیک به دو قرن طول کشید با مسلمانان جنگیدند. «فتوحات اسلامی، مرزها و آفاق اسلام را در طول قرن‌ها در هم نوردید و حوادث ناشی از آن، مانند درهم شکستن کاروان‌های نظامی روم و انهدام مراکزشان زیر گام‌های سربازان مسلمان، نخستین تجربه‌های دردناکی بود که غرب در رابطه اش با جهان اسلام، با آن رویارو می‌شد. این مسئله موجب تثبیت نگاه تردیدآمیز، بلکه عداوت جویانه غرب نسبت به اسلام و مسلمانان شده است. فتح اندلس در سال ۹۱ هجری و جنگ لابوتیه (بلاط الشهدا) در سال ۱۱۴ هجری، ترس تاریخی را در دل غربی‌ها ایجاد کرد». (امینی، ۱۳۸۵، ص ۱)

در قرون ۱۵ و ۱۷ مسلمانان از روسیه تا قلب اروپای شرقی پیش رفتند و این مناطق را تحت استیلای خود درآوردند. در قرون ۱۶ تا ۲۰ امپراطوری عثمانی ضمن تسخیر بیژانس که مرکز دینی مسیحیت شرقی محسوب می‌شد جوامع مسیحی متعددی را به کنترل خود درآورد و همسایه جوامع مسیحی اروپای مرکزی شدند. مجموعه این وقایع تاریخی زمینه بهره برداری را برای جریان‌های ضد اسلامی فراهم آورده است. اندیشه حاکم بر جنگ صلیبی،

همواره اسلام (و مسلمانان) را دشمن خود معرفی کرده است. اندیشه جنگ مقدس با اسلام همواره در این رویکرد وجود داشته است. در برخی از این جوامع گروه‌هایی مبنای هویت خود و ریشه‌های روایت خود از هویت ملی را در مقابل مسلمانان قرار داده‌اند و اسطوره‌ها و قهرمانان ملی و فرهنگی خود را از رهبران و کشته شدگان در مقابل مسلمانان قرار داده‌اند.

دلیل دوم: جهل نسبت به اسلام

در غرب، اطلاعاتی سطحی نسبت به اسلام وجود دارد که از منابعی نامطمئن و بدون احاطه علمی به اسلام گرفته شده است. موارد درسی دانشگاهی در غرب، هنوز هم اطلاعات غلط و گمراه کننده‌ای از اسلام در خود دارد که در مکتب شرق شناسی ریشه دارد. فندلی از اندیشمندان غربی معتقد است که جهل عموم غربیان نسبت به اسلام دارای عواملی متعدد است که از آن جمله به نقش لابی یهودی در ترسیم تصویری زشت از مسلمانان و تصویر کردن اسرائیل به عنوان دولتی ضعیف اشاره دارد که از سوی عرب‌ها و مسلمانان تهدید شده است (امینی، ۱۳۸۵، ص ۲).

وی، دلایل بعدی جهل نسبت به اسلام را اکتفا کردن به سخن گفتن از اخلاق مسیحی و یهودی به عنوان اخلاق جهانی مقبول و شایسته پیروی در جامعه غربی معرفی می‌کند. همچنین متصف کردن اسلام به تروریسم، تعصب، تحقیر زن، تسامح نداشتن نسبت به غیر مسلمانان، رد دموکراسی، ترس غربی‌ها از خطر رو به فزونی اسلام‌گرایی، بیم آنان از جنگ احتمالی اسلام و غرب در آینده و تعارض منافع و اختلاف خاستگاه‌های ارزشی با غرب می‌داند.

دلیل سوم: تصویرهای پیش ساخته منفی از مسلمانان

سینمای جهانی و رسانه‌های تبلیغاتی مغرض که آشکارا زیر سیطره صهیونیسم قرار دارند، در تثبیت این تصویرها و بزرگ‌نمایی و تعمیق و جلوه دادن آنها به عنوان حقایقی روشن و مناقشه ناپذیر، نقش ویژه‌ای دارند. از طرفی، برخی مسلمانان نیز با رفتارهای

منحرف و عقب مانده خود در سفر به پایتخت‌های جهان، نقش قابل توجهی در تصدیق و ترویج این تصویرهای موهن دارند و نمونه‌ای بسیار زشت از شخصیت انسان مسلمان و به تبع آن، اسلام عرضه می‌دارند (حسن خانی، ۱۳۸۹، ص ۱) ..

دلیل چهارم: دلایل و مسائل جمعیتی مسلمانان

عامل مهم دیگر که به عنوان دلیلی برای گسترش اسلام ستیزی در جوامع غربی مطرح می‌شود رشد فزاینده جمعیت مسلمانان در جوامع غربی است. مهاجرت مسلمانان به این جوامع و تشکیل جوامعی متمایز در داخل جوامع غربی و همچنین گرایش غیر مسلمانان در جوامع غربی به اسلام و رشد جمعیت بیشتر مسلمانان به نسبت سایر سکنه این جوامع باعث ایجاد و توسعه جوامع مسلمانان در جوامع غربی شده است. در حال حاضر حدود ۱۵ میلیون مسلمان در اروپا زندگی می‌کنند که بر اساس برآورد ۳۰ سال آینده این رقم می‌تواند به ۵۰ میلیون نفر برسد. در یک گزارش میزان زاد و ولد مهاجران مسلمان فرانسه سه برابر فرانسوی تباران ذکر شده است. در اکثر جوامع غربی مسلمانان به بزرگترین اقلیت مذهبی تبدیل شده که جمعیت رو به افزایش دارند و نسبت قابل توجهی از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند و به تدریج به قوه مقننه و حتی مجریه این کشورها راه می‌یابند، ظهور و قدرت یابی این اقلیت رو به رشد با عکس العمل در گروه‌های اکثریت روبرو می‌گردد. جدول زیر روند رو به رشد حضور مسلمانان در قاره اروپا را نشان می‌دهد.

دلیل پنجم: نقش آفرینی گروه‌های یهودی و صهیونیسم

صهیونیست‌ها نقش اصلی را در ایجاد اسلام هراسی در جهان دارند آنها چون از ارزش‌ها، مردم‌سالاری و قدرت دین اسلام می‌ترسند، با نسبت دادن ادعاهای بی‌اساسی نظیر تروریسم و بنیادگرایی به اسلام تلاش می‌کنند مانع گسترش این دین آسمانی در سراسر جهان شوند. در دیدگاه آخرالزمانی برخورد تمدن‌ها که شبکه جهانی صهیونیستی ضد مسلمانان، درصدد برانگیختن آن است، بر کشتن مسلمانان به این دلیل می‌شود که ترحم

برانگیز نشینند و می‌توان به آنها آسیب زد.

نتایج تحقیقات و بررسی‌های انجام شده از سوی مرکز پیشرفت امریکا نشان می‌دهد که یک گروه کوچک از بنیادهای مرتبط با صهیونیسم، پشت پرده ستاد ده ساله ترویج هراس از اسلام و مسلمانان قرار دارد که از آن با عنوان اسلام‌هراسی یاد می‌شود. یک تحقیق ۱۳۰ صفحه‌ای با عنوان ریشه‌های شبکه اسلام‌هراسی در امریکا نشان می‌دهد که هفت بنیاد در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹، بودجه‌ای بیش از ۴۲ میلیون دلار را برای افراد و سازمان‌های مهم فراهم کرده‌اند تا آنها به ترویج اسلام‌هراسی بپردازند (حسن‌خانی، ۱۳۹۰، ۱۵۶).

این بنیادها دربرگیرنده افرادی است که همواره در جناح راست امریکا با روحیه طرفداری از صهیونیست‌ها شناخته شده بودند و همچنین شامل هفت بنیاد خانوادگی یهودی می‌شود که از جناح راست و شهرک نشینان صهیونیستی حمایت می‌کنند. آنها با بودجه‌های بسیاری که جمع آنها به بیش از ۴۲ میلیون دلار می‌رسد، با ترویج فعالیت‌های مختلفی چون توزیع فیلم، وبلاگ نویسی، حمایت از سازمان‌های صهیونیستی و گروه‌های طرفدار رژیم صهیونیستی و تولید ویدیوهای ضد اسلام به ترویج اسلام‌هراسی در امریکا کمک کرده‌اند. (نک: اسلام‌هراسی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶)

دلیل ششم: عوامل سیاسی غرب

علاوه بر مسائل تاریخی باید به عامل سیاسی کلان جهان غرب و به ویژه امریکا نیز توجه کرد. غرب و امریکا در طول سالیان پس از جنگ جهانی دوم، همواره سیاست‌های خود را به عنوان مقابله با کمونیسم و شیطان سرخ توجیه می‌کردند و سامان می‌بخشیدند. فروپاشی شوروی خطر تهدیدی را که محور سیاست‌ها و توجیه‌کننده رفتار و انجام بخش‌های جوامع غربی بود از بین برد و این مساله می‌توانست مشکلات جدیدی در این جوامع ایجاد کند. یافتن تهدیدی که توجیه‌کننده رفتار سردمداران جوامعی چون امریکا باشد یکی از دغدغه‌های طیف مداخله‌گر و تهاجمی بود. خطراتی چون چین و روسیه گرچه به تناوب در دهه ۹۰ مطرح می‌شدند ولی قابلیت و شرایط لازم را فراهم نمی‌کرد.

واقعه ۱۱ سپتامبر با طرح خطر تروریسم اسلامی به سرعت این خلأ را پر کرد و جوامع غربی حول محور مقابله با این خطر فزاینده جدید منسجم شدند. بنابراین خطر اسلام و مسلمانان به عنوان اصلی‌ترین خطر برای امنیت، فرهنگ و تمدن غربی مطرح شد و توسط رسانه‌ها و مجامع تولیدکننده فرهنگ و رفتار جوامع غربی مورد بهره‌برداری قرار گرفت و به صورت دشمن خطرناک جایگزین خطر کمونیسم و شیطان شوروی شد.

صهیونیست‌ها یکی از اصلی‌ترین طرف‌های ذی‌نفع در این فرایند بودند. آنها توانستند امواج ضد یهودی و یهودستیز موجود در جوامع غربی را به جریانات اسلام‌ستیز تبدیل کنند و خود در حاشیه امن قرار بگیرند. همچنین رژیم صهیونیستی از این فضا به بهترین وجه در سرکوب و حشيانه فلسطینی‌ها بهره‌گرفت و با دمیدن در کوره اسلام‌ستیزی، اقدامات غیر انسانی خود را، در جوامع غربی موجه نشان داد.

دلیل هفتم: بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان

عامل دیگری که در این چارچوب قابل توجه است فرایند احیای هویت در جوامع اسلامی است، جوامع اسلامی پس از آن که در طول دهه‌های قرون پیشین در حالتی انفعالی قرار داشتند و بر اثر شکست‌های پی‌در پی مرحله به مرحله در حال عقب‌نشینی بودند و این تفسیر در جوامع اسلامی غالب شده بود که در فرایند جهانی شدن باید از مبانی و مظاهر هویت خودی دست برداشت، از دهه‌های پایانی قرن بیستم به تدریج به مبانی هویتی خود برگشتند و چاره موفقیت را احیای هویت اسلامی یافتند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران از اولین جلوه‌های این فرایند در جهان اسلام بوده امروزه خیزش هویتی در سرتاسر جهان اسلام جلوه‌های متعددی پیدا کرده و کاملاً مشخص و ملموس است. این خیزش هویتی، باعث شده مسلمانان در برابر ظلم، سرکوب و تحقیر تاریخی ایستادگی کنند. مقاومت در برابر اشغال و تجاوزگری در فلسطین، عراق و سایر جوامع اسلامی نمود گسترده‌ای پیدا کرده است. تعریف خود بر مبنای هویت خودی و مقاومت در برابر تحمیل ارزش‌ها و منافع بیگانگان و پیدا کردن روحیه و چهره فعال در دفاع از منافع و هویت خودی بازتاب

گسترده‌ای در سایر جوامع و به ویژه جوامع غربی پیدا کرده است. هراس از این احساس مقاومت و ظلم ستیزی در سردمداران جوامع توسعه طلب باعث می‌شود که آنها روحیه ستیزش و مقابله با اسلام و مسلمانان را در جوامع خود ایجاد کرده و توسعه دهند. همچنین تعریف يك جمعیت بر مبنای هویت خودی می‌تواند باعث عکس العمل در گروه‌های متقابل شود و آنها نیز هویت خود را در مقابله و برخورد با گروه نخست قرار دهند. این وهم به تدریج در اروپا گسترده می‌شود که اروپا به دو ملت تقسیم شده است:

۱- اروپاییان سکولار، ثروتمند، مس و ضعیف و در حال کاستی.

۲- مسلمانان مذهبی، جوان، فقیر، قدرتمند و رو به رشد.

بر اساس این اندیشه مردم اروپا در حال افول هستند و در يك هراسی فزاینده به سر می‌برند و دچار يك نومیدی دموگرافیک شده‌اند. این ایده خود نوعی هراس از مسلمانان و قدرت رو به رشد آنها تولید می‌نماید. این دیدگاه، مسلمانان را در حال جنگ با غرب تصویر می‌کند. بر این اساس جنگ با اسلام و مسلمانان در سه جبهه متمرکز است:

۱- جبهه مرکزی (خاورمیانه).

۲- جبهه شرقی (جنوب شرق آسیا: افغانستان، پاکستان و اندونزی)

۳- جبهه غربی (اروپا و آمریکا): این جنگ با مهاجران مسلمان در کشورهای غربی متمرکز است.

صحنه‌های مقاومت در کشورهای چوون فلسطین و عراق بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اشغالگری و حق مسلمانان در دفاع از سرزمین خود به عنوان جنایت مسلمانان در افکار عمومی جهان تبلیغ می‌شود. آمریکا نیز در ابتدای سند استراتژی امنیت ملی که در سال ۲۰۰۶ توسط کاخ سفید و شورای امنیت ملی آمریکا به عنوان رسمی ترین سند امنیتی این کشور منتشر شد بیان می‌کند «آمریکا امروز در جنگ است، جنگ با يك ایدئولوژی تحریف شده، (اسلام)».

دلیل هشتم: انگیزه‌های استعماری

استعمار اروپاییان بر جهان سابقه طولانی دارد و به سده‌های ۱۲ و ۱۳ م باز می‌گردد که پس از کشف سرزمین فرادریاها و دست اندازی اروپاییان پدیدار شد. پیشگامان آن پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها بودند. مهم‌ترین انگیزه‌های استعمار عبارت‌اند از: انگیزه اقتصادی، انگیزه دینی (تبلیغ دین مسیحیت در سرزمین‌های دور دست) و پس از افزایش یافتن توان مالی و اقتصادی انگیزه باز پس‌گیری بیت المقدس از دست مسلمانان (توکلی، استعمار، استعمارگری، استعمارزدایی، ۱۳۸۵: ۲۱۱۹). سده هفدهم دوران رشد سیاست استعماری دولت‌های اروپایی بود که برای توسعه مستعمره‌های خود کارشان به جنگ با یک‌دیگر نیز کشیده شد. مانند جنگ هلند با پرتغال و جنگ انگلستان با فرانسه (همان، ۲۶). در قرن هفدهم میلادی اروپایی‌ها برای گرداندن مستعمره‌های خود، کمپانی‌ها را سامان دادند که چند تن ماجراجو، دریانورد، بازرگانانی که در مستعمره منافع مشترکی داشتند گرد هم آمده یک کمپانی یا شرکت تشکیل دادند. اساسنامه کارگردانی آن را پارلمان کشور استعمارگر تصویب می‌کرد. مهم‌ترین این کمپانی‌ها عبارت بودند از: کمپانی هند شرقی بریتانیا در سال ۱۶۰۰ م، کمپانی هند شرقی فرانسه در سال ۱۶۶۴ م و کمپانی هند شرقی هلند در سال ۱۶۰۲ م (همان، ۲۸۲۷).

در قرن نوزدهم میلادی به علت افزایش جمعیت و انقلاب صنعتی فرانسه، کشورهای صنعتی به فکر گسترش فرمان‌روایی و رخنه‌گری بیشتر در دیگر کشورها به ویژه خاورمیانه و آفریقا افتادند. این نوع استعمار از سال ۱۸۶۰ م پرشتاب‌تر شد و امپراتوری‌های پهناور از آن سر برآوردند. این امپراتوری‌ها تا نیمه قرن بیستم (پس از جنگ جهانی دوم) صعود داشتند. اما پس از جنگ جهانی دوم به عوامل مختلف هم‌چون ظهور تفکر ناسیونالیسم (ملیت‌گرایی) این نوع استعمار به تحلیل رفت. در این میان بریتانیای کبیر و فرانسه بزرگترین امپراتوری‌های استعمارگر داشتند. بریتانیا در هر پنج قاره زمین‌سی و پنج میلیون کیلومتر مربع مستعمره داشت. فرانسه دوازده میلیون کیلومتر مربع در آفریقا و شبه جزیره هند و چین

داشت. پس از آن‌ها هلند، بلژیک، آلمان و ایتالیا قرار داشتند. در این دوران دویست میلیون اروپایی بر هفتصد میلیون تن در سراسر جهان سروری می‌کردند (همان). البته با وجود پایان یافتن استعمار فیزیکی اروپا مرحله دیگری از استعمار که استعمار فکری نام دارد تا هنوز هم ادامه دارد.

مهم‌ترین راهکار و ابزاری که استعمارگر هم در پیروزی استعمار و هم در استمرار آن به مدت یک و نیم قرن، از آن بهره کافی برد، از بین بردن قداست قرآن کریم و وارونه جلوه دادن حقایق اسلامی است و این راهکار تا امروز هم به شکل‌های مختلف توسط غربیان ادامه دارد. چون مهم‌ترین چیزی که به عنوان مانع پیروزی در نگاه اروپاییان جلوه می‌کرد دین اسلام و در رأس آن کتاب مقدس مسلمانان بود. چون پدیده استعمار گرچه یک پدیده جدید است و در صدر اسلام پدیده‌ای به این نام و اوصاف وجود نداشت. اما مبارزه با این پدیده در کادر کلی اصول اسلامی وجود داشته است (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

در این زمینه بیانات راهبران دولت‌های استعاری غرب به خوبی نشان می‌دهند که آنان چرا از اسلام و قرآن هراس داشتند. کلاستون نخست وزیر انگلیس و وزیر مستعمرات آن قرآن کریم را به دست می‌گیرد و می‌گوید «تا این کتاب در دست مسلمانان است نمی‌توان بر آنان مسلط شد» (جهانبخشی، ۱۳۸۷: ۲۸). هم‌چنین ویلیام گیفورد می‌گوید «هر وقت قرآن و شهر مکه از کشورهای عربی و اسلامی جدا شد آن وقت ما می‌توانیم مسلمین را در حالی ببینیم که متدرجا راه تمدن ما را می‌پیمایند و مطیع و فرمانبردار ما می‌باشند» (همان).

دولت‌های استعمارگر غربی تصمیم گرفتند با کمک مستشرقان مهم‌ترین مانع در استعمار پذیری مسلمانان که عبارت از کتاب مقدس آنان است (صواف، ۱۳۴۶: ۱۱۴) را برطرف کنند. لذا مستشرقان مزدور تحقیقات و پژوهش‌های به ظاهر علمی درباره اسلام و قرآن را آغاز کردند.

دلیل نهم: گسترش خشونت و تحجر به نام اسلام

اقدامات خشونت باری نظیر بمب گذاری‌ها، قتل‌ها و جنایت‌ها که به نام اسلام در

اقصی نقاط جهان صورت می‌گیرد و موجب نفرت و کینه از مسلمانان می‌گردد نیز عوامل توسعه اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی محسوب می‌شود و مورد بهره‌برداری جریان‌های فرصت طلب قرار می‌گیرد. بهره‌برداری تبلیغاتی از جنایاتی که در مناطقی همانند افغانستان و عراق توسط گروه‌های انحرافی و مشکوک صورت می‌گیرد، بزرگ کردن و طرح چنین صحنه‌های مضمّن کننده به یک برنامه دائمی تبدیل شده و این صحنه‌های آزردهنده به طور مداوم در رسانه‌های بین‌المللی به عنوان معرفی اسلام و مسلمانان مطرح می‌شود. همچنین این رسانه‌ها می‌کوشند از مسلمانان چهره‌های خشن ترسیم کنند که به کشتار سایرین دست می‌زنند و از دیدن مرگ غیر مسلمانان خوشحال می‌شوند.

راهکار مقابله با اسلام‌هراسی غربیان از نگاه رهبری

رهبر انقلاب «مطرح کردن اسلام ناب در سطح دنیا» را راهکار اصلی مقابله با این جریان می‌داند:

در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هر کسی در هر نقطه‌ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد- باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳):

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29151>

تأکید بر ترویج اسلام ناب برای مقابله با توطئه‌های دشمن در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی سابقه‌ای طولانی داشته و ایشان در برهه‌های مختلف جنبه‌های گوناگون این موضوع را تبیین کرده و از این مهم به «امانت الهی» تعبیر نمودند:

«اسلام ناب که امام بزرگوار بر روی آن این همه تأکید می‌کردند، برای این است که ما این متاع را که متاع ذهن مردم و متاع مغزها و متاع دلهاست خالص، بدون غلّ و غش، بدون تقلّب و بدون کم و زیادهایی که دستهای خائن و گنهکار یا غافل و جاهل به وجود آورده‌اند، به مخاطبان برسانیم. این بزرگترین امانت الهی است.» (بیانات در دیدار جمعی از

روحانیون ۲۳/۰۹/۱۳۷۷: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2921>)

به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی و اقدام مناسب در راستای ترویج و گسترش «گفتمان اسلام ناب» در سطح دنیا برای مقابله‌ی فعالانه با اسلام‌هراسی پیش از هرچیز مستلزم شناخت صحیح از «مفاهیم اصلی این تفکر» است. لذا تبیین مهم‌ترین مفاهیم مطرح شده ذیل گفتمان اسلام ناب بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای اهمیتی مضاعف می‌یابد.

مقام معظم رهبری در نامه‌ای که در سال ۹۳ خطاب به جوانان اروپایی نگاشتند و بازتاب زیادی هم در بین جوانان و رسانه‌ی جمعی دنیا داشت به این مهم اشاره می‌کند:

«خواستگی دوم من این است که در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه می‌گویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مآخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آشنا شوید. من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزشهایی طی قرون متمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟»

(پیام مهم رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی، ۱۳۹۳/۱۱/۱،

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=28731>

مفاهیم اصلی گفتمان اسلام ناب

با مطالعه‌ی بیانات رهبری در بحث اسلام ناب می‌توان این نکته را دریافت که از نظر

ایشان نقطه‌ی تمایز «اسلام ناب محمدی» «صلی الله علیه وآله وسلم» و «اسلام آمریکایی» در توجه به «جنبه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام» بارز می‌شود و در اینجا است که با مفهوم «اسلام انقلابی» تفاوت و تمایز بین اسلام ناب و اسلام آمریکایی واضح‌تر می‌گردد. در واقع اسلام انقلابی، «دال مرکزی» گفتمان اسلام ناب بوده و می‌توان سایر مفاهیم مطرح شده در این گفتمان را ذیل این مفهوم صورتبندی کرد. برخی از مهم‌ترین این مفاهیم بدین شرح‌اند:

پیوند دین و سیاست

تأکید بر «درهم‌تنیدگی و پیوند مستحکم دین و سیاست» از شاخص‌های اصلی این گفتمان بوده و در نقطه‌ی مقابل جدایی دین از سیاست و تقلیل دینداری به مناسبات شخصی و فردی به‌عنوان شاخص مهم گفتمان اسلام آمریکایی قرار دارد:

«فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکان‌پذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایه‌ی شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزه‌ی واقعی و حقیقی بکند. لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می‌دانست.»

(خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی علیه السلام ۱۴/۰۳/۱۳۸۹)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9524>

۲. عزت اسلامی و نفی سلطه

از دیگر مفاهیم مهم در این گفتمان «عزت اسلامی و نفی سلطه‌ی بیگانگان» است. اعتقاد به قاعده‌ی نفی سبیل و لوازم آن در این بُعد از گفتمان اسلام ناب تجلی می‌یابد:

«امام بزرگوار ما تقابل ایجاد کردند و فرمودند: «اسلام آمریکایی» و «اسلام ناب محمدی». اسلام ناب و خالص، اسلام توحید و وحدت بین امت اسلامی، اسلام «و لن يجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً»، اسلام «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»، اسلامی که می‌گوید:

«و لو انّ اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الأرض». برگشت به این اسلام، تنها علاج و نسخه‌ی درمان امت اسلامی است». (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۰۲/۲۹: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3178>)

رویکرد فعالانه در مواجهه با اسلام‌هراسی مستلزم چه فعالیتی است؟ رهبر انقلاب «مطرح کردن اسلام ناب در سطح دنیا» را راهکار اصلی مقابله با این جریان می‌داند: «در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هر کسی در هر نقطه‌ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد- باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم».

۳. ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلوم

«درگیری با ظلم در سطح جهانی» و «حمایت همیشگی از مظلومان و مستضعفان عالم» یکی دیگر از مفاهیم اصلی مطرح در این گفتمان است که در سیاست‌ها و اقدامات عملی جمهوری اسلامی نیز نمود یافته است. تأکید بر آموزه «كُنَّا لِلظَّالِمِ حَصْمًا و لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا». (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۰۶/۱۴: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23810>)

در بیانات رهبری به عنوان یکی از مبانی این جهت‌گیری از همین منظر قابل فهم است: «اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرف‌دار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکائی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی این‌ها می‌سازد. این اسلام را امام نام‌گذاری کرد: اسلام آمریکائی.

(خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی رحمته‌الله علیه ۱۳۸۹/۰۳/۱۴:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9524>)

۴. ترکیب عقلانیت، معنویت و عدالت

از جمله نقاط تمایز اسلام ناب از اسلام آمریکایی ترکیب منظومه وار و منطقی آن است. چنانکه «فرد» و «جامعه» هرکدام جایگاه خود را داشته و «عقلانیت»، «معنویت» و «عدالت» در کنار یکدیگر معنا یافته و از ترکیب منطقی آن این گفتمان و جهت‌گیری کلان شکل می‌یابد: (امام اسلام ناب فرمودند، در مقابل اسلام آمریکائی... در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه باهم ملاحظه می‌شوند، معنویت و عدالت باهم ملاحظه می‌شوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند؛ این‌ها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت - که آن هم خارج از شریعت البته نیست - در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری علیه السلام ۱۳۸۸/۰۷/۰۲: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8094>)

بر اساس این مبناست که اسلام ناب از آفت‌های «تحجر» و «التقاط» به عنوان عناصر پیرنگ اسلام آمریکایی دور می‌شود:

«اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضد اسلام متحجر و خرافی و همچنین ضد اسلام رنگ باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی». (بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۳۸۲/۰۳/۱۴: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3180>)

۵. شخصیت و خط امام خمینی علیه السلام

از نگاه رهبر انقلاب اسلامی شخصیت و خط امام خمینی رحمه الله تجسم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است و از این منظر توجه به این موضوع در تبیین گفتمان اسلام ناب مهم جلوه می‌کند:

«حیات و شخصیت خمینی کبیر، تجسم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و تبلور انقلاب اسلامی بوده و او خود و سخنش و انگشت اشاره‌اش، خضر راه این حرکت الهی و روشنگر نقاط مبهم و برطرف‌کننده‌ی همه‌ی تردیدها بوده و همچنان خواهد بود.

(پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته الله علیه ۱۳۶۹/۰۳/۱۵):

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2316>

نتیجه‌گیری

بر اساس بیانات رهبری باید در مقابل پدیده‌ی اسلام‌هراسی رویکرد فعالانه داشت و بر اساس اصلی‌ترین مفاهیم برآمده از گفتمان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم به ترویج و تبیین این فکر و گفتمان در سطح افکار عمومی دنیا پردازیم. در این صورت است که این تهدید به فرصتی برای رشد و گسترش روزافزون اسلام در سطح دنیا و شکست بیش از پیش توطئه‌های مستکبرین تبدیل خواهد شد: «اگر به مردم معمولی دنیا یک تلنگری زده شود، یک توجهی به آنها داده شود، اینها ناگهان به فکر می‌افتند که علت اینکه این قدر اسلام در این مطبوعات صهیونیستی، در این شبکه‌های تلویزیونی وابسته‌ی به محافل قدرتمند و دارای زر و زور مورد تهاجم قرار می‌گیرد چیست؟ این خود زمینه‌ی یک پرسش است و این پرسش به نظر ما برکاتی دارد و می‌تواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29151>)

منابع

۱. قرآن کریم
۲. احسان آذر کمند و سید محمدرضا خوشرو، اسلام‌هراسی و راه کارهای رسانه‌ای مواجهه با آن، آئینه‌اندیشه، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، بهار ۱۳۹۰، شماره ۱۷.
۳. استیفن، امرسون، «اسلام و رسانه‌های غربی»، ترجمه: نشریه سیاحت غرب، فصل نامه علمی - ترویجی وسایل ارتباط جمعی، تهران، معاونت امور مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز ۱۳۸۸.
۴. امینی، صادق، «تحلیل پدیده اسلام‌هراسی»، آئینه‌اندیشه، قم، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بهار ۱۳۹۰، شماره ۱۷.
۵. حسن خانی، محمد، اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹.
۶. درخشه، جلال، «رسانه‌ها و اسلام‌هراسی»، فصل نامه علمی - ترویجی وسایل ارتباط جمعی، تهران، ۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، (۱۳۸۳: ۱۱۱).
۸. جهانبخشی، نگرشی تاریخی به رویارویی غرب با اسلام، ۱۳۸۷: ۲۸
۹. محمد محمودصوف، مترجم جواد هشترودی، نقشه‌های استعمار در مبارزه با اسلام، انتشارات فراهانی، (۱۳۴۶)
۱۰. ریچارد میل‌هاوس نیکسون، مترجم: حسین وسفی‌نژاد، فرصت را دریابیم وظیفه آمریکا در جهانی با یک ابرقدرت، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۱
۱۱. طبری، محمد بن جریر بن یزید، جامع البیان فی التفسیر القرآن، تفسیر طبری، انتشارات دارالمعرفه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۲ق،
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسماعیلیان، تهران، دارالکتب الاسلامیه: ۱۳۷۵ ق

۱۳. محمد بن حسن، طوسی، التیبان فی تفسیر القرآن، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، بی تا
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷
۱۵. معرفت، محمد هادی، صیانت القرآن من التحریف، قم، مؤسسه التمهید، ۱۴۲۸ ق
۱۶. قمی مشهدی، میرزا محمد، کنزالدقائق، انتشارات دار الغدیر، قم، ۱۳۶۶
۱۷. پیام مهم رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی ۱/۱۱/۱۳۹۳
۱۸. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳
۱۹. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۰/۰۷/۱۳۸۷
۲۰. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳
۲۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳
۲۲. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۲۳/۰۹/۱۳۷۷
۲۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی علیه السلام ۱۴/۰۳/۱۳۸۹
۲۴. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۲۹/۰۲/۱۳۸۲
۲۵. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۴/۰۶/۱۳۹۲
۲۶. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی علیه السلام ۱۴/۰۳/۱۳۸۹
۲۷. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۰۲/۰۷/۱۳۸۸
۲۸. بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۴/۰۳/۱۳۸۲
۲۹. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۰/۰۳/۱۳۶۹
۳۰. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳
۳۱. بیانات در هشتمین مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش